بیانیه مشترک مجمع روحانیون مبارز و مجمع مدرسین و محققین حوزه علمیه قم به مناسبت سالگرد پیروزی انقلاب

نکاتی برای پاسداشت جایگاه انقلاب و تضمین پیشرفت کشور

چندی پیش و در آستانه دهه فجر انقلاب اسلامی‌بیانیه مشـــترک مجمع روحانیون مبارز و مجمع مدرسین و محققین حوزه علمیه قم به مناســـبت سالگرد پیروزی انقلاب منتشـــر شـــد که حاوی نقطه نظراتی اساسی پیرامون انقلاب اســـلامی‌و چگونگی تـــداوم حیات و آرامانهای این نهضت بود.

در بیانیه تاکید شـــده بود: اگـــر می‌خواهیم جمهوری اسلامی‌داشته باشـــیم نباید دایره خودی‌ها چنان تنگ شـــود که اکثریت مردم به بهانه‌های مختلف غیر خودی به حســـاب آیند... می‌شد و می‌شود ضد استکبار و ضد استعمار بود، ولی اساس کار را بر ستیزگری با همه کس و همه جا قرار نداد و زمینه کارآمدی فشار و توطئه‌ها را کمتر کرد.

نظر به اهمیـــت این بیانیه، روزنامه مردم ســـالاری به مناسبت سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی‌متن کامل این بیانیه را به شرح زیر منتشر می‌کند:

بسم الله الرحمن الرحیم

سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی‌ملت شریف را گرامی‌می‌داریم.

در چهل و ســـومین سالروز پیروزی انقلاب، سخن گفتن از آن دشوار و ستایش از آن دشوارتر است.

بسیاری از مردمانی که از توطئه‌ها و فشارهای ظالمانه خارجی و نیز اشـــتباه‌ها و ناکارآمدی‌های درونـــی رنج فراوان دیده اند، نســـبت به اصل انقلاب دچـــار تردید و احیاناً بدبینی شـــده و امیدشـــان به آینده بهتر کمتر شـــده اســـت و دشمنان ملت و انقلاب این بدبینی و نومیدی را تشدید می‌کنند.

با این وجود، بر این باوریم که همه‌ی آنان که دل در گرو انقلاب و بزرگی رهبر فرهمند بنیانگذار دارند و همه‌ی کســـانی که به سرنوشـــت کشـــور و عزّت ملّت و برخورداری همگان به عنوان شـــهروندان صاحب حق و حرمت می‌اندیشـــند باید بکوشند تا جایگاه والای انقلاب و منزلت حضرت امام نگاه داشـــته شـــود و دریابنـــد و به دیگـــران تفهیم کنند که در ســـایه این باور و دلبستگی است که می‌توان ســـلامت، آزادی و پیشرفت کشور را تضمین کرد.

در عین حال باید بکوشند تا فارغ از خودخواهی و تعصب ناروا از سر انصاف اسباب ناکامی‌ها و دلسردی‌ها به ویژه ناروائی‌هایی را که به نام انقلاب صورت گرفته و می‌گیرد دریابند و بیان کنند و کوتاه‌ترین راه برون رفت از این وضعیت را به پیمایند و دست اندرکاران امور را به پیمـــودن آن فراخوانند تا بیاری پروردگار از بهم خوردن نظم و از هم پاشـــیدگی جامعه که آن سوی آن چیزی جز هرج و مرج و آشفتگی و تنگ‌تر شدن فضای زندگی و تنفس و احیاناً نظمی‌بد فرجام و بسیار ناگوارتر از آنچه هست نخواهد بود، جلوگیری شـــود و اگر انحرافی بوده است (که بوده اســـت) باید از آن بازگشت. بازگشـــتن از انحراف گرچه هزینه دارد، ولی هزینه آن بمراتب کمتر از آن اســـت که نظام و مردم پرداخته و می‌پردازند.

آنچه در خور توجه است اینکه:

۱- در اســـلامی‌بودن انقلاب تردیدی نیســـت. گواه این مطلب آنســـت که رهبر مقبول انقلاب از برجسته‌ترین شخصیت‌های علمی‌و دینی و مرجعی بزرگوار بود و اکثریت آنان که به صحنه آمدند مسلمان بودند و شـــعارهائی که از متن وجدان مردم بر می‌آمد بیشـــتر رنگ و عطر اسلامی‌داشت و بدون آنکه فشار و تحمیلی باشد بالمآل همه گروه‌ها و جریان‌ها به رهبری انقلاب اسلامی‌اظهار وفاداری کردند.

۲- انقلاب در ادامه سیر و صیرورتی بود که جامعه، در مرحله‌ی اخیر تاریخ خود داشته است.

مردمی‌به ستوه آمده از تبعیض و عقب ماندگی و تحقیرشدگی برای دستیابی به وضعی بهتر به میدان آمدند و پیشتازی اسلام علاوه بر باور اکثریت از آن رو بود که اســـلام و انقلاب دردهای جامعه و خواســـت‌های تاریخی مردم را می‌شناخت و در مقابل یا دست کم متفاوت با برداشتی از اسلام بود که بیرون از زمان، ناآگاه از تحولات رخ داده در جهان و ایران و بی تفاوت نســـبت به خواست تاریخی ملت بود.

امام خیلی زود راه خود را به طور مشخص جدا کردند و به جای اینکه از صاحب رأی شدن زنان و برخورداری بیشتر کشاورزان و کارگران و ملّت از زندگی بهتر که اســـتبداد حاکم فریبکارانه شـــعار آن را می‌داد بر آشوبند، فریاد خود را بر سر قدرتی فرود آوردند که هم پیمان اســـرائیل و همدســـت ارتجـــاع و ژاندارم منطقه (به نیابت از سلطه طلبان) بود و اداره کشور را بخصوص در عرصـــه نظامی‌به مستشـــاران آمریکائی داده بـــود. قلم‌ها را می‌شکســـت، زنان و مردان را از حقوق خـــود محروم می‌کرد و کشـــور را در لبه‌ی پرتگاه فســـاد بنیادی سیاسی، فرهنگی و اقتصادی و سقوط قرار داده بود.

۳- امام در آغاز، هم نوا با وجدان جامعه خواســـتار اصلاح بودند و هنگامیکه از آن نومید شـــدند بر رفتن نظام شاهنشـــاهی و جایگزین شـــدن آن با نظامی‌که در آســـتانه‌ی پیروزی انقلاب عنوان «جمهوری اسلامی» را یافت پافشردند.

عظمت و روزآمدی انقلاب را در عرضه نظام جمهوری اسلامی‌در مقایســـه با جنبش‌ها و حرکت‌های به اصطلاح اسلامی‌می‌توان دریافت، که خشـــن، ضد حقوق بشـــر، تحقیرکننده انســـان و واپسگرا بودند و بجای دیکتاتوری زمینی (امّا امروزی تر) نوعی خودکامگی خشن با رنگ تقدّس را پیشنهاد می‌کردند و نمونه این بینش و منش را در جهت گیری یا حاصل تلاش جریانهائی، چون القاعده، طالبان و داعش دیده ایم.

۴- «جمهوری اسلامی» گرچه مفهوماً خالی از ابهام نبود، ولی مردم، «جمهوری اســـلامی» را همان دیدنـــد که رهبر انقلاب بخصوص در فرانسه آن را عرضه کرده بودند و به آن رأی دادند.

۵- جامعـــه پس از پیروزی انقلاب با دو پدیده که بی ارتباط با هم نبودند مواجه شد:

یکی فشـــار ســـنگین از بیرون برای ضربه زدن به نظام نوپا از طریـــق کودتا، تجزیه طلبی، ترور، جنگ تحمیلی و تحریم‌های ظالمانه (که همچنان ادامه دارد). این پدیده‌ی ناخواسته، نظام را به ســـوی امنیّتی شـــدن و کردن فضای زندگی برای حفظ موجودیّت خود و تمامیت ارضی و استقلال میهن سوق داد.

در ایـــن زمینه می‌تـــوان به تفاوت رویکرد امـــام در مقام رهبر انقلاب و پیشـــنهاد دهنده جمهوری اســـلامی(که با آنچه در درس‌هایشـــان به عنوان حکومت اســـلامی‌مطرح کرده بودند تفاوت داشـــت) با آنچه در مقام عمل روی داد اشاره کرد؛ امری که امام در اواخر عمرشـــان به عنوان یک انحـــراف و تجاوز از مبنـــای نظم و قرارداد پذیرفتند و آن را در واقع اســـتثنائی به حســـاب آوردند که می‌بایست از آن گذر کرد و به نظم و قاعده یعنی «جمهوریت اسلامی» با همه لوازم آن بازگشت و دریغ و درد که با گذشت زمان استثناءها جای قاعده را گرفت و لحظه به لحظه جمهوریت کم رنگ‌تر شد و اسلام سازگار با جمهوریت در عرصه رسمی‌منزوی‌تر گشت و بینش و منشی از اسلام قدر دید و در صدر نشســـت و در بســـیاری از عرصه‌های حکمرانی میداندار شـــد که جمهوریت را از اســـاس مردود می‌ساخت؛ و این، همان پدیده دوّم بود، یعنی کمرنگ شدن جمهوریت نظام و میل به ســـوی حکومت به اصطلاح اسلامی، در حالیکه امام ضمن اصرار بر اسلامی‌بودن نظام همواره ملاک و میزان را رأی آزاد ملت (که بنیاد جمهوریت مردم ســـالار است) می‌دانستند و رهبری پس از ایشـــان نیز بر اهمیت رأی مردم و حق انسان بودن آن تأکید داشته اند.

با ضعیف‌تر و بی فروغ‌تر شدن جمهوریت نظام آنچه پیش آمد تشـــدید حاکمیت‌های چندگانه و ســـردرگمی‌و حتی تعارض پرهزینه در مدیریت و لوث شـــدن مسئولیت‌ها و لطمه دیدن کارآمـــدی و زیان دیدن مردمی‌بود که به امید آینده بهتر برای انقلاب، ایثار و فداکاری کرده بودند. توطئه‌ها و دشـــمنی‌های بیرونی مزید بر علت شـــد. ۶- انکار نمی‌تـــوان کرد که پس از انقـــلاب کارهای خوبی صورت گرفته اســـت و همه دولت‌ها و دســـتگاه‌ها کوشـــیده اند خدمت کنند و همه نیز کاستی‌ها و مشکلاتی داشته اند و طرفه اینکه تقریباً همه‌ی دولتهائی که در زمان خود با فشارها از بیرون و درون و احیاناً کارشکنی‌ها روبرو بوده اند پس از پایان دوران خدمت مغضوب و مردود شـــناخته شده اند. اشکال کار در کجاست؟

باری خدمات بعد از انقلاب قابل انکار نیســـت، ولی باید پرسید که:

اولاً اگـــر جمهوری اســـلام هم نبـــود آیا بخـــش مهمی‌از این خدمت‌ها و پیشرفت‌ها به وجود نمی‌آمد؟ ثانیاً در مقام مقایسه کشورمان با بسیاری از کشورهای هم طراز و حتی آن‌ها که از ما عقب‌تر بوده اند و امروز جلو افتاده اند، بازهم کارنامه جمهوری اسلامی‌یا بهتر است بگوئیم راهبردهای مدیریت جامعه را (که تقریباً در تمام این دوران به خصوص ســـه دهه اخیر ثابت بوده است) درخشـــان خواهیم یافت. ثالثاً آنچه صورت گرفته است چه نســـبتی با آرمان‌های انقلاب و خواست تاریخی ملّت که در جســـتجوی آزادی، استقلال و پیشرفت توأم با عدالت، اخلاق و معنویت بوده است دارد؟

شاید بتوان پاســـخ این پرسش‌ها را در افزایش میزان مهاجرت (بخصـــوص نخبگان و اســـتعدادهای جوان)، کاهش ســـرمایه اجتماعی، خروج سرمایه‌های مادی، آسیب دیدن منابع تجدید ناپذیـــر، ناتوانـــی از بهره برداری بهینه فنـــی و علمی‌از آن‌ها و تبدیلشان به ســـرمایه‌های تجدیدپذیر، وضعیت ناگوار معیشت مردم و ذهنیت آنان که در آینده اوضاع بدتر خواهد شد یافت.

اگر این‌ها نشانه‌های آشکار بحران نیست پس چیست؟

۷- امروز جامعه ما با بحران‌های بزرگی در عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و بین المللی روبرو است.

برابـــر آمار رســـمی‌بخش مهمی‌از جامعه زیر خط فقر به ســـر می‌برند؛ در کشـــوری که بر روی دریای نفت و گاز قرار گرفته و دارای کان ســـارها گوناگون ارزشـــمند و در ممتازترین نقطه جغرافیای راهبردی و سیاســـی عالم و دارای ســـابقه درخشان تمدنی و فرهنگی است.

با تأسف فراوان لحظه به لحظه از حجم طبقه متوسط که نیروی حرکت بخش توســـعه و پیشرفت هر کشوری است کاسته و به درون طبقـــه فقیر رانده می‌شـــوند و طبقه فقیر که روز بروز بر حجم و عدد آن افزوده بشود همان است که بیشترین فداکاری را برای انقلاب و حفظ نظام انجام داده و بالاترین ســـختی‌ها را تحمل کرده است.

در ســـوی دیگر شـــاهد بروز و ظهور طبقه یا افراد یا نهادهای بی مســـئولیتی هســـتیم که بر امکانات خود به ویژه با رانت و سوء استفاده از تحریم‌های کمرشکن می‌افزایند و کسانی هم که دارای امکانات طبیعی و مشـــروع بوده اند در حال بجای ســـرمایه گذاری مطمئن در درون ترجیح می‌دهند امکانات خود را به خارج منتقل کنند. امروز شدت اعتراض‌های غیر سیاســـی که بیشتر از ســـوی بخش‌های محروم جامعه رخ می‌دهد از اعتراض سیاسی بیشـــتر است. مردم می‌گویند: آب و برق مجانی و مســـکن ارزان که وعده اش داده شد پیشکش، ابتدائی‌ترین نیازهای ما را تأمین کنید. مردم از بیکاری و رکود (تورّمی) می‌نالند و فقر توأم با احســـاس بی آیندگی از یکسو و فســـادهای بزرگ و شرم آور و هدر رفتن سرمایه‌های طبیعی و انسانی خطر بزرگی است که کشور و ملت را تهدید می‌کند.

و، چـــون از نیازهـــای اولیه اقتصادی و معیشـــتی بگذریم و به نیازهـــای ثانوی، ولی بســـیار مهم، چون حقوق شـــهروندی و آزادی‌های اساسی برسیم وضع از این هم بدتر می‌شود.

۸- بدون تردید توطئه‌های بیرونی و فشارهای خارجی در پدید آمدن این وضع تاثیر داشته است. دشمنی‌ها بوده است و خواهد بود و این، تاوانی است که ملت شریف ایران بخاطر انقلابش که در پرتو آن کشـــوری وابسته و تأمین کننده منافع بیگانه را به کشـــوری مســـتقل و منادی آزادی و رهائی خود و مسلمانان و رنج دیدگان مبدّل کرده است می‌پردازد و صد البته که ملت و دولت نمی‌تواند نسبت به این خطر و آنچه موجودیت و امنیتش را تهدید می‌کند بی تفاوت باشد و نیست.

سوء اســـتفاده از تحریم‌های کمرشکن می‌افزایند و کسانی هم که دارای امکانات طبیعی و مشـــروع بـــوده اند در این وضع و حال بجای ســـرمایه گذاری مطمئن در درون ترجیح می‌دهند امکانات خود را به خارج منتقل کنند. امروز شدت اعتراض‌های غیر سیاســـی که بیشتر از ســـوی بخش‌های محروم جامعه رخ می‌دهد از اعتراض سیاسی بیشـــتر است. مردم می‌گویند: آب و برق مجانی و مســـکن ارزان که وعده اش داده شد پیشکش، ابتدائی‌ترین نیازهای ما را تأمین کنید. مردم از بیکاری و رکود (تورّمی) می‌نالند و فقر توأم با احســـاس بی آیندگی از یکسو و فســـادهای بزرگ و شرم آور و هدر رفتن سرمایه‌های طبیعی و انسانی خطر بزرگی است که کشور و ملت را تهدید می‌کند.

و، چـــون از نیازهـــای اولیه اقتصادی و معیشـــتی بگذریم و به نیازهـــای ثانوی، ولی بســـیار مهم، چون حقوق شـــهروندی و آزادی‌های اساسی برسیم وضع از این هم بدتر می‌شود.

۸- بدون تردید توطئه‌های بیرونی و فشارهای خارجی در پدید آمدن این وضع تاثیر داشته است. دشمنی‌ها بوده است و خواهد بود و این، تاوانی است که ملت شریف ایران بخاطر انقلابش که در پرتو آن کشـــوری وابسته و تأمین کننده منافع بیگانه را به کشـــوری مســـتقل و منادی آزادی و رهائی خود و مسلمانان و رنج دیدگان مبدّل کرده است می‌پردازد و صد البته که ملت و دولت نمی‌تواند نسبت به این خطر و آنچه موجودیت و امنیتش را تهدید می‌کند بی تفاوت باشد و نیست.

جا دارد کـــه از آنچه در زمینه تقویت فنی، ابزاری، ســـازمانی و نظامی‌بـــا تکیه بـــر نیروی علمی‌و فنی و ایمانـــی و مبنا قرار دادن سیاست بازدارندگی شده است تقدیر به عمل آید؛ آنچه از جمله ضریب نفوذ منطقه‌ای ایران را بالا برده اســـت تا آنجا که دشمنان نیز به نقش موثر و توان جمهوری اسلامی‌در مقابله با تروریسم وحشـــی و عوامل تخریب در منطقه از جمله در برابر بلای داعش و ســـرکوب کردن آن و تأمیـــن امنیت برای ایران و منطقـــه اعتراف کرده اند. ولـــی از نظر دور نداریم که در دراز مـــدت در جهان پیچیده‌ی امروز، تنها قدرت نظامی(که در این زمینه از مخالفان اصلی خود عقب تریم) و نیز نفوذ منطقه‌ای بر پایه یک عامل (به خصوص اگر تحریک کننده باشد) نمی‌تواند پایدار بماند و آینده‌ی مـــا را تضمین کند مگر اینکه در همان حـــال دارای اقتصاد محکم و پویا باشـــیم و نیز بتوانیم رضایت مردم را که عامل اصلی اقتدارند بیشتر کنیم؛ و اگر به زبان رایج ســـخن بگوئیم می‌توان گفت که «میـــدان»، در کنار و در ذیل یک اقتصاد قوی و رفتار عادلانه با مردم و تأمین مصالح ملی به علاوه یک دیپلماسی هوشـــمند و نیرومند و منطقی در عرصه بین المللی کارساز خواهد بود. ما باید منادی صلح و امنیت در منطقه باشـــیم و از دادن هرگونه بهانه به دیگران برای فشار و احیاناً ضربه زدن به خودمان خودداری کنیم. در غیر اینصورت آنچه عامل بازدارندگی به حســـاب آمده است می‌تواند خود به صورت عاملی علیه امنیت و ثبات و در جهت انزوای بیشـــتر ما کمک کند.

۹- هرگز نباید وجود دشمن و توطئه‌های خارجی ما را از عوامل درونی نارسائی‌های بحران ساز غافل کند. اگر فی المثل دشمن، ادعای نقض حقوق بشر را بهانه‌ای برای اعمال فشار بر حکومت و مردم و توجیه سیاستهایش برای منزوی کردن ایران می‌کند، آیا واقعاً حقوق بشر در اینجا نقض نمی‌شود؟

آیا حقوق شهروندی همگان رعایت می‌شود؟

آیا دست کم فرمان هشت ماده‌ای امام که در بحبوحه‌ی جنگ و رواج طوفان ترور صادر شـــد مبنای عمل اســـت؟ آیا حداقل بخشنامه رئیس اسبق قوه قضائی که در مجلس ششم به قانون تبدیل شـــد در بازداشـــت‌ها، بازپرســـی‌ها و دادرسی‌ها رعایت می‌شود؟

البته انصاف حکم می‌کند که بگوئیم آنچه اخیراً در قوه قضائیه بیان می‌شـــود و رویکردهائی که ابراز می‌گردد می‌تواند مقدمه اصلاح در بخشـــی از نظام باشد، اگر واقعاً به عمل بیانجامد و با نظـــر متخصصان عالم و معتقد به جمهوریـــت نظام به صورت برنامه‌های دارای ضمانت اجرا درآید.

۱۰- بـــاری آنچه جاری اســـت با عدالت که شـــاه بیت دعوت پیامبران خدا و خواســـته مهم بشـــر در طول تاریخ بوده است و آن را در عرصـــه حیات اجتماعی می‌توان عبارت دانســـت از امکان مساوی همگان برای دسترسی به ثروت، قدرت و منزلت و برخورداری از زندگی امن و آبرومند فاصله فراوان دارد.

آیا اگر کسانی در همین حد که در بالا مورد پرسش قرار گرفت انتظار داشته باشد و بخواهند که حکمرانی بینش و روش خود را برای پاسخ به این خواست ملی و قانونی اصلاح کند، محصور، محدود و متهم به انواع اتهام‌های واهی نمی‌شوند و نسبت‌های خلاف شرع و قانون به آن‌ها داده نمی‌شود؟

آیا تبدیل یک قدرت نظامی‌پر افتخار با پشتوانه خون ده‌ها هزار شـــهید و ده‌ها هزار جان باز و آزاده و صدها هزار ایثارگر به یک نیروی پلیس- امنیتی که احیانـــاً رویاروی مردم قرار می‌گیرد و بازگذاشتن دســـت او برای به چنگ آوردن امکانات گسترده مالی، اقتصادی، سیاسی و اطلاعاتی همراه با سلاح تا جایگزین احزاب و حرکت ســـالم حزبی و رقابت مدنی شـــود و بکوشد تا ذهنیت و اراده‌ی نهادهائی را که باید حافظ و نگهبان جمهوری اسلامی‌و منافع مردم باشند و رویکرد و عملکردشان مانع افتادن نظام در دام یک خودکامگی بی مهار شود تسخیر کند، آیا این بـــه نفع انقلاب و مصلحت جامعـــه و حتی به صلاح همان نهاد انقلابی است؟

آیا وجود نهادها (و حتی باندهائی) که هم قانونگذاری می‌کنند و هم مجری قانون اند بی آنکه در برابر هیچ مرکز مردم نهادی پاســـخگو باشند، مختل کننده‌ی امور و مانع گردش قانونی و یا حساب و کتاب کارها نیست؟

این‌ها همه نشـــانه‌های هشـــداردهنده ایســـت از دور شدن از جمهوریت نظام و نیز مانع دستیابی به حکمرانی خوب که مورد خواست انقلاب و مردم بود.

چـــرا برنامه‌ها و جهت گیری‌هائی کـــه در صدد نیرومند کردن پایه‌هـــای اقتدار توأمـــان حکومت و جامعه و نهادینه شـــدن آزادی‌های اساسی و بهبود وضع زندگی مردم بود ناتمام بماند؟

مگر بنا نبود برابر ســـند چشم انداز بیست ساله که از افتخارات نظام بود در سال ۱۴۰۴ ایران در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی، علمی، فنی و اجتماعی ســـرآمد کشـــورهای منطقه باشد و در عمل هم (به شـــهادت آمار) نشان داده شد که با درایت و اتخاذ رویکرد درســـت در عرصه داخلی با پاس داشت حق و حرمت مردم و فراهم آوردن زمینه‌ی مشـــارکت آنـــان در عرصه‌های مختلف و شهروند به حساب آوردن آنان و در عرصه خارجی بر اساس تنش زدائی و رویکرد تعاملی در عین پای بندی به اصول و بخصوص مصالح ملی و نشـــان دادن چهره رحمانی اســـلام و نظـــام می‌توان از امکانات موجود اســـتفاده بهینه به عمل آورد و امکانـــات مالی و فنی را از بیـــرون به داخل هدایت کرد و در بازارها و ســـاحت‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی بین المللی حضور عزتمندانه و سرافرازانه داشت و با گسترش دامنه بیمه و تأمین اجتماعی و اعمال سیاست‌های جبرانی زندگی فرودستان را بهبود بخشید و در نتیجه پایه‌های اقتصاد و سیاست و اقتدار ملی را مستحکم‌تر و ضریب امنیّت را افزون‌تر و رضایت بیشتر مردم را جلب کرد؛ و چرا علیرغم درآمدهای افسانه‌ای بعدی که فقط بخش کوچکی از آن به صورت صدقه (و با منت) در اختیار مردم قرار گرفت، سیاست‌ها و رویکردها به جانب توانمند کردنِ بنیـــه اقتصادی و بهبود پایه‌های زندگی مردم بگونه‌ای که اصلاً نیاز به صدقه نداشـــته باشند حرکت نکرد و برعکس زمینه‌ها و بهانه‌های فشار کمر شکن بر مردم و ایران را گسترده‌تر و بیشتر کرد؛ و در یـــک کلام چرا همه چیز در جهت عکس هدف‌های چشم انداز به جریان افتاد. اشکال حکمرانی در کجاست؟

۱۱- اگـــر می‌خواهیم جمهوری اسلامی‌داشـــته باشـــیم نباید دائره خودی‌ها چنان تنگ شـــود که اکثریت مردم به بهانه‌های مختلف غیر خودی به حســـاب آینـــد در حالیکه در حکمرانی خوب همه‌ی آحاد ملت از هر آئین، گرایش و ســـلیقه‌ای تا آنجا که در چارچوب نظم مســـتقر حرکت کنند (ولو اینکه نســـبت به قانون حتی قانون اساســـی ایراد و انتقاد داشـــته باشند) در صورتیکـــه به بر هم زدن نظم با اعمال خشـــونت و زور و احیاناً توسل به بیگانه منجر نشود خودی هستند و شهروندانی که از همه حقوق شهروندی برخوردارند.

جمهوری اسلامی، بنا بود چنین باشد در حالیکه نظام حکمرانی کمتر حاضر به شنیدن سخنان خیرخواهانی که عظمت ایران، پیشرفت کشور و برخورداری مردم از زندگی آبرومند و احترام همگان را می‌خواهند هستند. حتی به سخنان و نصایح مراجع بزرگـــواری که ارتبـــاط خوب در عین حفظ اســـتقلال وتأمین مصالح ملی با جهان را پیشـــنهاد می‌کنند یـــا اداره کمیته‌ای جامعه را نادرست می‌دانند چندان اعتناء نمی‌شود.

دشمنی‌ها بوده و خواهد بود و هم دولت و هم ملت باید نسبت به توطئه‌ها هوشیار باشند، ولی اینهمه نباید بهانه‌ای باشد برای اینکه از حکمرانی خوب غافل شویم.

۱۲- مهمترین شاخصه حکمرانی خوب اینکه بتواند با مشارکت خود مردم به مردم خدمت کند، حقوق آنان را پاس دارد. رأی و اراده مردم را مبنای عمل (و حتی موجودیّت و مشروعیت) خود بداند و عزت ملی و اقتدار واقعی و امنیّت پایدار را تأمین کند و در نتیجه لحظه به لحظه بر رضایت مردم بیافزاید و با استحکام پیوند میان دولت و ملت به سوی آینده بهتر حرکت کند.

می‌شد و می‌شـــود ضد استکبار و ضد استعمار بود، ولی اساس کار را بر ســـتیزگری با همه کس و همـــه جا قرار نداد و زمینه کارآمدی فشـــار و توطئه‌ها را کمتر کرد. می‌شـــد و می‌شـــود اســـلامی‌بود و جمهوریت و همه لوازم آن را پذیرفت و در نظر و عمل رأی آزاد جمهور را مبنای نظم و پایه حکمرانی قرار داد.

می‌شـــد و می‌شـــود یکایک افراد ملت از زن و مرد را شهروند بحســـاب آورد و راه را بروی کارآفرینـــان و صاحبان تخصص، دانش و ســـرمایه گشـــود و با پذیرش تکثّر کـــه امر طبیعی (و به تعبیر قرآن کریم ناشـــی از جعل الهی= و جعلناکم شعوباً و قبایل) اســـت نه تنها از حضور بخش‌های مختلف که از انتقاد و حتی اعتراض آن‌ها اســـتقبال کـــرد و حکومت بیش از آنکه به بازوی قوی خود پشت گرم باشد، گفتگو و تفاهم را وجهه همت قرار دهد و جا را برای حضور هرچه مســـئولانه‌تر و گسترده‌تر احزاب و تشـــکل‌هائی که از منافع و سلایق بخش‌های مختلف مردم نمایندگی می‌کنند (یا باید بکنند) باز کند.

می‌شد و می‌شود در ساحت سیاست خارجی با محور قرار دادن ســـه اصل عزت، حکمت و مصلحـــت رویکرد راهبردی را تنش زدائـــی و تعامل با دیگران در عین دفاع از حقوق و جانب داری از مظلومـــان و محـــور قرار دادن مصالح ملـــی و تأمین عزت و پیشرفت و توســـعه توأم با عدالت قرار داد و جامعه را به سوی کاهش فقر و فســـاد و تبعیض و بالمآل بر انداختن آن‌ها سوق داد و از جامعه خوب، مســـتعد، مترقی و شکیبای ایران الگوئی برای دیگران ساخت؛ و می‌شد و می‌شودهای فراوان دیگر ....

۱۳- آسان‌ترین و ارزان‌ترین راه رسیدن به وضعیت مناسب در درجه اول بازگشت به موازین جمهوریت اسلامی‌و خود اصلاحی با مراعات درست قانون است.

درست اســـت که قانون اساسی امر بشـــری است و با گذشت زمـــان و تحولی که پیاپی در جوامع پیـــش می‌آید و مطالبه و نیازهای تازه‌ای که رخ می‌نماید و شناخت بیشتری که نسبت به نقص‌های قانون و حتی تناقض پاره‌ای از اصول آن با یکدیگر و بخصوص بر پایه تجربه‌ای که طی ده‌ها سال حاصل می‌شود نیاز به اصلاح دارد، ولی از یاد نبریم که اولاً= دســـت بردن در قانون اساسی و تغییر آن نباید ساده تلقی شود به ویژه با سازوکارهای موجود به اصلاح آن در جهت بهبود اطمینانی نیست و هرگونه تغییر در این وضعیت ممکن اســـت به از دســـت دادن مزایای فعلی و احیاناً جایگزین شـــدن آن با مواد و مواردی منجر شود که مشکل‌ها را افزون خواهد کرد.

ثانیاً= آنچه بدان اشـــارت رفت (و اندکی بود از بســـیار) بدون تجدید نظر شتاب زده در قانون اساسی (که در جای خود لازم است) کاملاً قابل دسترسی است.

اگـــر همگان جمهوریت نظام اســـلامی‌را بپذیرند با بازگشـــت صادقانه به همین قانون بسیاری از مشکلات قابل حل است.

اگر می‌شدها و می‌شودها با اراده‌ی بالادستی حکمرانی تبدیل به (بشودها) شود گام بلندی است در جهت خود اصلاحی نظام که می‌تواند بسیاری از مشکلات بحران آفرین را حل کند و در درجه اول بازار مکاره‌ی متوهمان براندازی را بیش از پیش کساد و دشـــمنان اصلی را از ضربه زدن به ایران بیش از پیش نومید کند و با جهت گیری به ســـوی بهبود احترام آمیز وضع زندگی مردم امید و رضایت آنان را بیشـــتر و حرکت به ســـوی توسعه همه جانبـــه و پایدار و تأمین نیازهای مادی و معنوی جامعه و سربلندی ایران عزیز شتابان‌تر شود و آنان که ایران را پاره پاره و ایرانی را تحقیر شـــده و کشور را آشـــوب زده می‌خواهند (یا نتیجه پندار و رفتارشان چنین است) از گذشته ناکام‌تر شوند.

از خداوند بزرگ می‌خواهیم و از خون پاک شهیدان و دل دریای امت مدد می‌جوئیم که سالگرد انقلاب برای همه تذکری باشد تا به سوی هدفی حرکت کنیم که در آن هم رضایت پروردگار باشد و هم خشنودی ملت و سرافرازی روز افزون ایران انشاءالله.

مجمع روحانیون مبارز
مجمع مدرسین و محققین حوزه علمیه قم

شـــاهد بروز و ظهور طبقه یا افراد یا نهادهای بی‌مســـئولیتی هستیم که بر امکانات خود به ویژه با رانت و ســـوء استفاده از تحریم‌های کمرشکن می‌افزایند و کســـانی هم که دارای امکانات طبیعی و مشـــروع بوده اند در این وضع و حال بجای ســـرمایه گذاری مطمئـــن در درون ترجیح می‌دهند امکانات خود را به خارج منتقل کنند. امروز شدت اعتراض‌های غیر سیاسی که بیشتر از سوی بخش‌های محروم جامعه رخ می‌دهد از اعتراض سیاسی بیشتر است

مهمترین شـــاخصه حکمرانی خوب اینکه بتواند با مشارکت خود مردم به مردم خدمت کنـــد، حقوق آنان را پـــاس دارد. رأی و اراده مردم را مبنـــای عمل (و حتی موجودیّت و مشـــروعیت) خود بداند و عزت ملی و اقتدار واقعـــی و امنیّت پایدار را تأمین کند و در نتیجه لحظه به لحظه بر رضایت مردم بیافزاید و با اســـتحکام پیوند میان دولت و ملت به سوی آینده بهتر حرکت کند. می‌شد و می‌شود ضد استکبار و ضد استعمار بود، ولی اســـاس کار را بر ســـتیزگری با همه کس و همه جا قرار نداد و زمینه کارآمدی فشار و توطئه‌ها را کمتر کرد